



## شکست نظم بازار: ریشه های بحران اقتصادی در نظام سرمایه داری

پدیدآورده (ها) : درخشان، مسعود  
علوم اجتماعی :: سوره اندیشه :: بهار 1388 - (ویژه نامه سی امین سالگرد انقلاب اسلامی)  
از 74 تا 75  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/629348>

دانلود شده توسط : مجتبی حسینی  
تاریخ دانلود : 22/07/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# شکست نظم بازار

ریشه‌های بحران اقتصادی در نظام سرمایه‌داری

دکتر مسعود درخشانی

و به همان سمت حرکت کنند. این ذهنیت با احساسات خام (احساساتی بدون مبنای علمی) تغذیه می‌شود. همین امر زیربنای مرز دانش مالی در نظام سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. در واقع ریشه‌ی بحران اخیر، همین مسأله و کار سفته‌بازان (speculators) در دانش مالی است. ویژگی اقتصاد آمریکا آن است که این حساب‌ها باید در آن به‌وجود بیاید و تقریباً روی این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که اقتصاد آمریکا به درجه‌ای از بحران درونی رسیده‌است که حیاتش با این حساب‌هاست که شکل می‌گیرد. حساب مسکن با اعطای وام‌ها بزرگ شد و اقتصاددانان هم نسبت به ترکیدن آن هشدار دادند تا جایی که با اولین نگرانی‌ها از گسترش عظیم سیستم اعتبارات و پدیدار شدن اولین علائم بحران، قیمت‌ها افت کرد. چراکه نگرانی‌هایی در جامعه شکل می‌گرفت. در سال ۲۰۰۷ با افت قیمت مسکن، بدهی خریداران از قیمت خانه‌های در گرو، بیشتر شد و چون خریداران تصمیم گرفتند بدهی خود را نپردازند، بانک‌ها شروع به تصاحب خانه‌ها کردند. با تصاحب یک میلیون خانه - یعنی ۷۰ درصد بیش از این مقدار در سال ۲۰۰۶ - علائم بحران به‌طور کامل ظاهر شد اما این سیستم باز هم به کار خود ادامه داد. طبیعی است که در چنین وضعیتی، بانک‌ها اولین قربانیان باشند. اشتباه آگاهانه‌ی دولت آمریکا، تشویق سیستم اعتبارات کاذب برای رونق گرفتن اقتصاد آمریکا بود. حتی لشکرکشی آمریکا به عراق را نیز می‌توان در همین قالب تفسیر کرد چراکه باعث افزایش حجم عظیمی از تقاضا (از طریق مصرف و از بین بردن امکانات) می‌شد. اقتصاد آمریکا، اقتصادی مصرفی است و چنین اقتصادی، بدون هزینه‌کردن، افت می‌کند. هزینه‌های نظامی آمریکا یکی از عوامل اصلی افزایش تقاضای تجمعی (aggregate demand) است. البته آمریکا مقداری از این هزینه‌ها را هم از طریق جمع کردن دلار از دنیا، جمع می‌کند یعنی دلارهای چاپ شده بدون پشتوانه را پس از جمع‌آوری از دست دیگران، در تأمین هزینه‌های خود صرف می‌کند و در سیستم می‌گرداند. بنابراین اقتصاد آمریکا، مجموعه‌ی فاسدی است که نه تنها این ریشه‌ی فساد را درون خود گسترش می‌دهد بلکه مرتباً جهان را آلوده می‌سازد.

## دلایل بحران

پل کروگمن دلیل اصلی این بحران را قرار گرفتن سیستم مالی جهان، فوق سیستم نظارتی و عقب ماندن سیستم نظارتی از سیستم مالی می‌داند. این بدان معناست که بازار سرمایه، جهانی شده اما سیستم جهانی برای نظارت بر آن وجود ندارد. مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول (IMF) علت بحران را شکست و کاستی (failure) در سه چیز می‌داند:

- ۱- شکست سیستم‌های مقرراتی و نظارتی (در حوزه‌ی مالی) در اقتصادهای پیشرفته
- ۲- شکست در مدیریت ریسک
- ۳- شکست در مکانیزم نظم بازار

## سابقه‌ی بحران

این اولین بار نیست که نظام سرمایه‌داری دچار بحران می‌شود. برای نمونه می‌توان به بحران‌های معروف سال‌های ۱۸۹۲، ۱۹۹۳ (بحران بزرگ مالی جهان)، ۱۹۸۲ (بحران بزرگ اعتباری و بسته شدن بورس‌ها، به‌ویژه بحران در بورس ترکیه) و بحران اخیر سال ۲۰۰۸ اشاره نمود. گاه یادآوری این بحران‌ها با این هدف صورت می‌پذیرد که بحران اخیر را نیز گذرا نشان دهد اما اصرار نظر از این موضوع [شاید بتوان از زاویه‌ای دیگر نیز به موضوع نگریست. نظامی که پس از جنگ جهانی دوم، بیش از صد بحران را تجربه کرده، به‌طور جدی با مسئله روبروست. به عبارت دیگر کثرت بحران‌ها می‌تواند کاشف از مشکلات ذاتی سیستم - مانند یک بیماری ژنتیک - باشد. به اعتقاد من، نظام سرمایه‌داری دچار یک بیماری ویروسی است؛ ویروسی که در مقابل راهکارهای مقابله و درمان، انعطاف‌پذیری و عکس‌العمل نشان می‌دهد. به عبارت دیگر این ویروس هوشمند شده و به شکل‌های متفاوت درمی‌آید. نظام سرمایه‌داری دچار ویروسی است که در مقابل هر سیاستی، به شکلی جدید خود را نشان می‌دهد.

## زمینه و ماهیت بحران

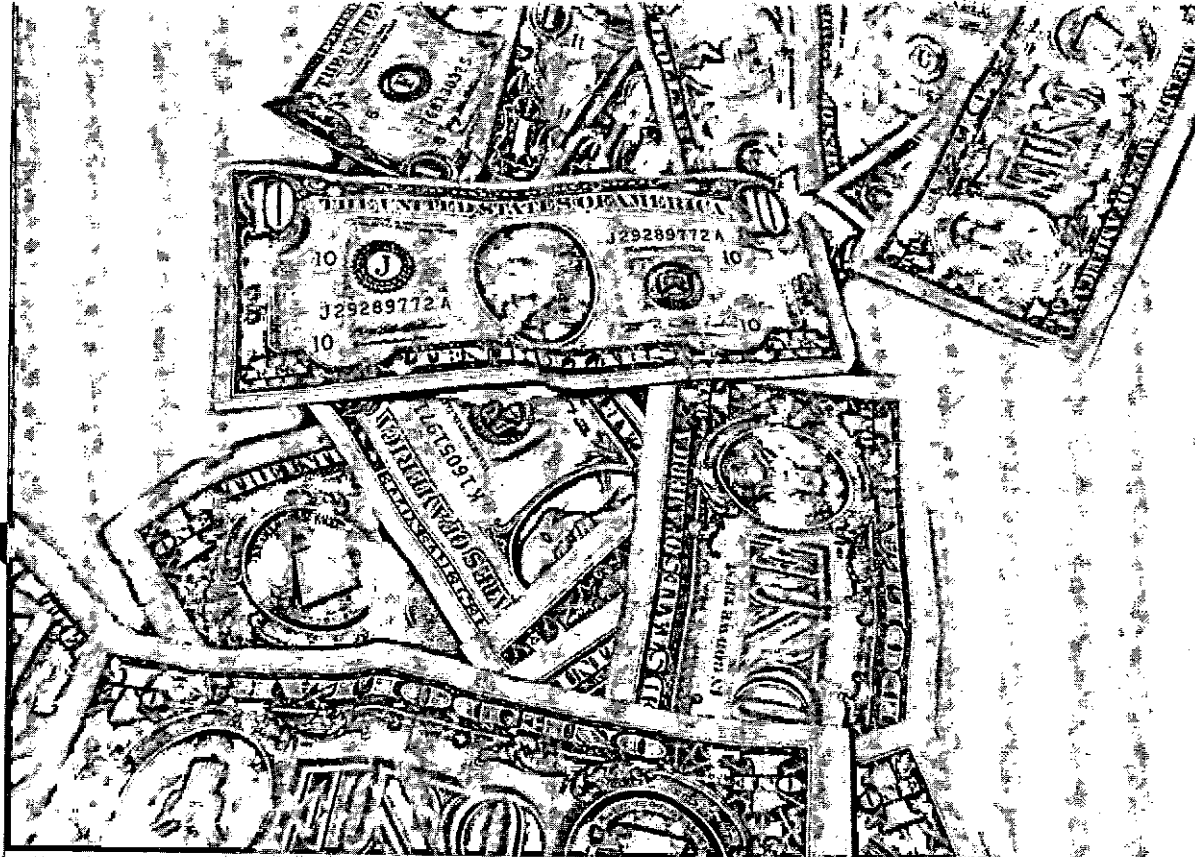
جهان در حال افت GDP و نرخ رشد اقتصادی وارد این بحران شد. بحران، بحرانی اعتباری از جانب مصرف‌کنندگان (customer credit crisis) است که طبعاً در حال تبدیل شدن به یک رکود اقتصادی است و زمینه‌ی آن، بحران مسکن و اعطای وام‌های رهنی به کسانی بود که صلاحیت درآمدی و شغلی نداشتند. با بالا رفتن قیمت مسکن در آمریکا و سرازیر شدن سرمایه‌ها و اعتبارات به سمت بخش مسکن، بازار وام‌های رهنی (mortgage market) رشد زیادی یافت اما مسئله، خارج شدن سازوکار این وام‌ها از روال سنتی بود. در روش‌های پیشرفته، وام‌های رهنی تبدیل به پول و مخزنی از این وام‌ها (مثلاً صند میلیون دلار) شده، سپس سازمان‌هایی تمام آن را می‌خرند و وثیقه‌ی آن هم، همان خانه‌های در گرو است. این سازمان‌ها در بازارهای مالی و از طریق مجموعه‌ای از نوآوری‌های مالی، اوراق بهاداری (mortgage securities) که پشتوانه‌اش این وام‌های رهنی است تولید می‌کنند. بر این اساس و در ارتباط با بازارهای اوراق قرضه، اوراق قرضه‌ای تولید می‌شود که نهایتاً به بازار سهام راه می‌یابد و شرکت‌هایی هم آن‌ها را بیمه می‌کنند.

و به این ترتیب یک سیستم لایه‌به‌لایه‌ی هرمی، شکل می‌گیرد؛ در بانک‌های پول جدیدی به‌وجود می‌آید و به کمک این پول، دوباره وام رهنی داده می‌شود. این گونه است که یک حباب (bubble) در اقتصاد شکل می‌گیرد و به سمت ترکیدن (burst) پیش می‌رود - همان گونه که در دهه‌ی ۱۹۹۰ حباب IT در آمریکا شکل گرفت و ترکید، یکی از دلایل شکل‌گیری حباب‌ها، ذهنیت گله‌ای (herd mentality) است. یعنی وقتی در بازار مالی عده‌ای به سمت یک موضوع خاص گرایش می‌یابند، بقیه هم به دنبال آن‌ها راه بیافتند

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، مدیر گروه اقتصاد انرژی معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام



نکته‌ی قابل توجه در دلایل طرح شده از سوی مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول (برای بحران اخیر)، اشاره او به شکست مکانیزم نظم بازار است که از سوی بسیاری از اقتصاددانان کشور، غیرقابل پذیرش است. در حالی که بیان صریح رئیس صندوق بین‌المللی پول به مشکل ذاتی موجود در این مکانیزم اشاره دارد اما برخی، ضعف مدیریت نظام حاکم آمریکا - و نه نظام سرمایه‌داری - را دلیل این بحران می‌دانند.



نظامی که پس از جنگ جهانی دوم، بیش از صد بحران را تجربه کرده، به طور جدی با مسئله روبه‌روست. به عبارت دیگر کثرت بحران‌ها می‌تواند کاشف از مشکلات ذاتی سیستم - مانند یک بیماری ژنتیک - باشد. به اعتقاد من، نظام سرمایه‌داری دچار یک بیماری ویروسی است؛ ویروسی که در مقابل راهکارهای مقابله و درمان، انعطاف‌پذیری و عکس‌العمل نشان می‌دهد.

استریت (مرکز مالی آمریکا) را اشتباه ندانسته. باور استراتژیست‌ها و سرمایه‌داران بزرگ در وال استریت آن است که عملکردشان صحیح است. این باور باطل و استراتژی‌های مبتنی بر آن، نه تنها اقتصاد ملی آمریکا، بلکه دنیا را به خطر انداخته است.

۲- قلب مفهوم دموکراسی: «پس از پدید آمدن بحران‌ها هیچ‌کس پاسخگو نیست و هیچ‌کس را نمی‌توان محاکمه کرد؛ چون هیچ‌کس مقصر نیست!» در حالی که اولین اصل دموکراسی پاسخ‌گویی است اما چنین قاعده‌ای در نظام سرمایه‌داری، عنوان دموکراسی به خود می‌گیرد.

تکنس‌های یابانی؛ چگونگی رفع بحران است. طرح ۷۰۰ میلیارد دلاری نجات مالی (bail-out) از کجا تأمین می‌شود؟ واضح است که مالیات‌دهندگان، به عبارت دیگر کسانی که در استثمات همان شرکت‌های ورشکسته و زورمداران مالی بوده‌اند باید هزینه‌ی استراتژی‌های غلط آنان را پرداخت کنند.

در واقع سخن کروگمن دربرگیرنده و جمع‌کننده‌ی این سه علت است. اما سؤالی که در مجامع بین‌المللی و فضا‌های آکادمیک مطرح نمی‌شود این است که «این شکست‌ها، چرا به‌وجود آمده‌اند؟» دلیل این ضعف‌ها و شکست‌ها، رشد دانش مالی است که به صورت مشتقات (derivatives) ظاهر شد.

در مشتقات برای انجام معامله، وجود جنس لازم نیست. یعنی می‌توان جنسی را که ندارد بفروشد یا آن‌چه را که نمی‌خواهد به امید گران‌شدن در آینده، بخرد. حجم این معاملات انجام شده در بازارهای کاغذی (غیر واقعی) چندین‌ده برابر بازارهای واقعی است. مکانیزم‌های این معاملات بسیار پیچیده و مبتنی بر مبنای ریاضی است. برای طراحی این استراتژی‌ها از ریاضی‌دانان و آماردانان بسیار قدرتمند استفاده می‌شود. فهم این مکانیزم‌ها و اطمینان از عدم خطر آن‌ها برای اقتصاد جهانی یا ملی توسط دستگاه‌های نظارتی (نهادهای نظاره‌گر: regulatory bodies)، حداقل چندین ماه طول می‌کشد. از سوی دیگر اثبات خطرناک بودن این استراتژی‌ها در جبهه‌ی با دو جناح آکادمیست‌ها (اقتصاددانان، ریاضی‌دانان، حقوق‌دانان و...) و عوول‌های مالی صورت می‌پذیرد که پیروزی از قبل برای صاحبان سرمایه و قدرت‌های مالی قابل انتظار است. اما نکته‌ی قابل توجه در دلایل طرح شده از سوی مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول (IMF)، اشاره‌ی او به شکست مکانیزم نظم بازار است که از سوی بسیاری از اقتصاددانان کشور، غیرقابل‌پذیرش است. در حالی که بیان صریح رئیس صندوق بین‌المللی پول به مشکل ذاتی موجود در این مکانیزم اشاره دارد اما برخی، ضعف مدیریت نظام حاکم آمریکا - و نه نظام سرمایه‌داری - را دلیل این بحران می‌دانند.

سؤال بعدی آن است که چرا دانش که باید در خدمت تعادل و ثبات و آینده‌های زیبا عمل کند، در جهت بحران عمل می‌کند؟ پاسخ آن که این مسئله به ذات نظام سرمایه‌داری بازگشت دارد. ذات این نظام چنان است که دانش (و تئوری‌ها) در جهت تکاثر - یعنی همان مبنای نظام سرمایه‌داری - عمل می‌کند و هنگامی که قلب، غیر الهی شد، دانش در آن قلب خطرناک خواهد بود. تیغ در دست زنگی مست.

پس از تشریح دلایل بحران از دید صاحب‌نظران نظام سرمایه‌داری، می‌توان دو دلیل دیگر را نیز برشمرد:

۱- باورهای کاذب ایدئولوژیک: تا کنون هیچ‌کس عملکرد وال

- بی‌نوشته:
۱. سخنرانی در دانشکده‌ی معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۸۷
  ۲. رومی است که وثیقه‌اش مسکن باشد، mortgage نام دارد. در روش سنتی مسکن تا پرداخت کامل قیمت آن، وثیقه محسوب می‌شود. فرد دریافت‌کننده وام باید صاحب شغل، درآمد و اعتبار باشد. نکته‌ی قابل تذکر آن که نسبت آورده‌ی خریدار به وام دریافتی تقریباً ۵۰ درصد به ۹۵ درصد است.
  ۳. حساب‌ها، رشد یا کنکری شرکت‌ها با افزایش قیمت سهامشان بدون افزایش میزان سود آن‌هاست. حساب‌ها جریان نقدینگی را به سمت خود جذب می‌کنند و نهایتاً می‌ترکند و بی‌ارزش می‌شوند.

۴. herd mentality fed on raw emotions
۵. پل کروگمن (Paul Krugman) استاد اقتصاد و امور بین‌الملل و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۸ است
۶. بیان شده در اجلاس اکتبر سال ۲۰۰۸
۷. failure in regulatory and supervisory in advanced economies
۸. failure in risk management
۹. failure in market discipline mechanism

۸. برای اطلاع بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به: مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، دکتر مسعود رخشان، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۳